

یادگار ماندگار

زبان، مهم‌ترین مؤلفه هویت ملی

حسن ذوالفقاری



سید میثم موسوی

تصویرگر

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

۴. تعلق خاطر و باور جمعی و مشترک ملت‌ها به یک وطن، به یکدیگر و تعهد متقابل نسبت به هم؛

۵. پیوند و وابستگی مردم به مکان جغرافیایی خاص.

هویت ملی ابعاد گسترده‌ای دارد: - ارزش‌های ملی شامل مشترکات فرهنگی اعم از سرزمین، زبان، نهادهای ملی، سنت‌ها و ادبیات ملی؛

- ارزش‌های دینی شامل مشترکات دینی؛

- ارزش‌های اجتماعی شامل اصول و قواعدی اجتماعی که برای استحکام جامعه باید رعایت شوند و تعلق خاطر مشترک و تعهد افراد به اجتماع ملی را در پی دارند؛

- ارزش‌های انسانی شامل کلیه اصول و قواعد انسانی، فارغ از هرگونه محدودیت اجتماعی و جغرافیایی؛

- ارزش‌های تاریخی ناظر بر خاطرات، رخدادها، شخصیت‌ها،

و فراز و نشیب‌های تاریخی؛ - ارزش‌های جغرافیایی

هویت یا کیستی به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها، روحیات، ریشه‌ها، وابستگی‌ها، تفاوت‌ها و شباهت‌ها گفته می‌شود که یک فرد یا جامعه را از دیگران متمایز می‌کند. هویت یا فردی است یا اجتماعی. پنج مؤلفه سازنده هویت اجتماعی انسان عبارت‌اند از:

۱. عوامل جغرافیایی- اقلیمی؛

۲. عوامل سیاسی و تاریخی؛

۳. عوامل اقتصادی و معیشتی؛

۴. عوامل فرهنگی (زبان و ادبیات و هنر، میراث اساطیری، سنن و آداب، اعتقادات و آیین‌ها و رسوم و یادمان‌ها)؛

۵. عوامل دینی و تربیتی.

مهم‌ترین سطح هویت، هویت ملی است که وابستگی فرد به یک «جامعه ملی» را نشان می‌دهد. هویت ملی وقتی شکل می‌گیرد که تمامی اعضای جامعه تصور درستی از اجزای سازنده آن داشته باشند؛ زیرا هویت افراد در متن اجتماع و فرهنگ شکل می‌گیرد و هویت از جمله نیازهای طبیعی انسان است که خود را بشناسد و به دیگران بشناساند. پس هویت محصول تعامل اجتماعی افراد است. علاقه‌های ملی، تاریخی، فرهنگی و دینی، عنصر مهم هویت فرد و اجتماع هستند که به افراد و اجتماع شخصیت و منش می‌بخشند و آنان را از دیگر اقوام و ملت‌ها متمایز می‌کنند.

هویت ملی فرایند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی درباره خود، گذشته، کیفیت، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش‌های مهم از هویت تاریخی خود است. هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح هر کشور، به‌عنوان یک واحد سیاسی، است. هویت ملی چند ویژگی دارد:

۱. پویایی و تغییرپذیری آن به نسبت زمان و مکان؛

۲. غلبه هویت‌های فردی یا خرده هویت‌های دیگر؛

۳. داشتن تاریخ و قدمت تاریخی. هویت ملی مقوله‌ای تاریخی است که در سیر حوادث تاریخی پدیدار می‌شود، رشد می‌کند و معانی متفاوت می‌پذیرد؛



ناظر بر قلمرو یک سرزمین مشخص؛

- ارزش‌های سیاسی ناظر بر تعلق به یک نظام واحد سیاسی؛
- ارزش‌های مشروعیت بخش به یک دولت ملی.

شاخص‌ها و مؤلفه‌های هویت ملی عبارت‌اند از:

۱. وطن قومی و نژادی و وطن اقلیمی؛

۲. زبان؛

۳. اسطوره‌ها و قهرمانان ملی؛

۴. جشن‌های ملی؛

۵. اقوام و ادیان.

چنانکه دیده می‌شود، زبان مهم‌ترین مؤلفه هویت ملی است. زبان یکی از مؤلفه‌های سازنده شخصیت ملت است. تضعیف یا تقویت زبان گاه باعث تضعیف نظام سیاسی و فروپاشی ملی و یا برعکس، باعث قوت و اعتبار هویت ملی افراد می‌شود. غنای زبانی موجب غنای ادبی و برعکس می‌شود. ادبیات و زبان غنی و پرمایه فرهنگ‌ساز است و تفاوت فرهنگی ملتی را با ملت دیگر نشان می‌دهد.

در ایران، زبان فارسی زبان رسمی کشور ما و زبان آموزش و ارتباطات فکری و علمی ماست و بخش مهمی از تفکر ما در چارچوب قواعد این زبان شکل می‌گیرد. به همین علت، کیفیت ارتباطات فکری و رشد علمی و فنی ما کاملاً وابسته به کیفیت زبان ما یعنی زبان فارسی است. این زبان پایه و مایه و محور فرهنگ و حامل اندیشه‌های انسانی است. تاریخ‌ساز و هویت‌بخش است. زبان فارسی با تاریخ، فرهنگ و تمدن ما پیوندی دیرینه و ناگسستنی دارد. مهم‌ترین وسیله انتقال تجربه، دانش و بینش بشری و ظرف ذخیره‌سازی اندیشه نسل‌های پیشین و

فرهنگ نیاکان است. موجب همبستگی اقوام

ایرانی است. تمایز قومی افراد، حتی در جغرافیای

سیاسی واحد، با عنصر زبان مادری است که مرزبندی

می‌شود. پاسداشت و تقویت زبان فارسی، ارج نهادن به این

میراث ارزشمند فرهنگی و استحکام بخشیدن به بنیان هویت

ملی ما تلقی می‌شود.

از این‌روست که زبان و ادبیات فارسی در اسناد بالادستی

جایگاهی والا و بالا دارد. در اصل ۱۵ قانون اساسی آمده

است: زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است.

اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتاب‌های درسی باید با این

زبان و خط باشند، ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی

در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در

مدرسه‌ها، در کنار زبان فارسی، آزاد است.

در سند چشم‌انداز، در اصل ۵ تأکید شده است بر: تقویت وحدت

و هویت ملی مبتنی بر اسلام و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری

اسلامی و آگاهی کافی درباره تاریخ ایران، فرهنگ، تمدن و هنر

ایرانی-اسلامی و اهتمام جدی به زبان فارسی.

در اصل ۳۳ نیز تأکید شده است بر: تقویت

هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور،

کمک به ترویج زبان فارسی در میان آنان،

حمایت از حقوق آنان و تسهیل مشارکت آنان

در توسعه ملی.

با نگاهی کوتاه به ارزش‌های تاریخی و کنونی

این زبان درمی‌یابیم، این زبان یادگار ماندگار

هزارساله و بازمانده زبان‌های هندواروپایی در

شاخه زبان‌های ایرانی جنوب غربی است. زبان فارسی نواز زبان

فارسی میانه (یا پهلوی) و آن نیز از فارسی باستان نشئت گرفته

است و زبان رسمی کشورهای ایران، افغانستان (فارسی دری)،

تاجیکستان (فارسی تاجیکی) و بخش‌هایی از ازبکستان است.

۱۱۰ میلیون گویشور دارد: در ایران ۷۰ میلیون، در افغانستان

۲۰ میلیون، در تاجیکستان ۵ میلیون، در ازبکستان ۷ میلیون و ۸

میلیون پراکنده در نقاط دیگر دنیا. زبان فارسی، زبان رسمی کشور

هندوستان، تا پیش از ورود استعمار انگلیس، و نیز بخش مهمی

از عثمانی بوده است.

این زبان از زبان‌های کلاسیک جهان است که در سال ۱۸۷۲

در نشست ادیبان و زبان‌شناسان اروپایی در برلین، در کنار

زبان‌های یونانی، فارسی، لاتین و سانسکریت، به‌عنوان یکی از

زبان‌های کلاسیک جهان برگزیده شد. زبان فارسی دوازدهمین

زبان پر کاربرد در محتوای وب و بالاتر از عربی و سایر زبان‌های

خاورمیانه است. خط فارسی، فارسی‌شده خط عربی است و خط

عربی تغییر یافته خط کوفی و بصری است.

اکنون گونه‌های زبان فارسی در فضاهای واقعی و مجازی دچار

آسیب‌هایی شده‌اند؛ از جمله ورود واژگان بیگانه، تأثیر شدید از

ترجمه، طولانی‌شدن جمله‌ها، ابهام و نارسایی، درازنویسی،



**کیفیت ارتباطات
فکری و رشد
علمی و فنی ما
کاملاً وابسته به
کیفیت زبان ما
یعنی زبان فارسی
است**





پاسداشت و تقویت زبان فارسی، ارج نهادن به این میراث ارزشمند فرهنگی و استحکام بخشیدن به بنیان هویت ملی ما تلقی می‌شود

عامیانه‌نویسی، شکسته‌نویسی، حشو، و ناهمگونی در کاربرد خط. این رمز هویت ملی را نهادها و سازمان‌هایی که در ارتباط مستقیم با زبان هستند، باید حفظ و حراست کنند. صیانت از زبان فارسی و تقویت هویت ملی بر عهده چند نهاد است:

– فرهنگستان زبان و ادب فارسی

این فرهنگستان اکنون وظایفی برعهده دارد چون: سازمان دادن و تمشیت فعالیت‌های ناظر به حفظ میراث زبانی و ادبی فارسی؛ تأسیس واحدهای واژه‌سازی و واژه‌گزینی و سازمان دادن واحدهای مشابه در مراکز دانشگاهی و دیگر سازمان‌های علمی و فرهنگی و هماهنگ کردن فعالیت‌های آنان از راه تبادل تجربه‌ها؛ نظارت بر واژه‌سازی و معادل‌یابی در ترجمه از زبان‌های دیگر به زبان فارسی و تعیین معیارهای لازم برای حفظ و تقویت بنیه زبان فارسی در برخورد با مفاهیم و اصطلاحات جدید؛ کمک به معرفی و نشر میراث

زبانی و ادبی فارسی به صورت اصلی و معتبر؛ اهتمام در حفظ فرهنگ‌های علمی و مردمی و جمع‌آوری و ضبط و نشر امثال و حکم و کلیه اعلام و اصطلاحات فارسی در همه زمینه‌ها و بهره‌برداری از آن‌ها برای پرورش و تقویت زبان و ادب فارسی؛ تبادل تجربه‌ها و دستاوردهای مراکز پژوهشی در حوزه زبان و ادب فارسی، و تأمین موجبات بهره‌برداری صحیح از این تجربه‌ها؛

بهره‌برداری صحیح از زبان‌های محلی (در داخل و خارج از ایران)، به منظور تقویت و تجهیز این زبان و غنی کردن و گستردن دامنه کاربرد آن؛ معرفی محققان و ادیبان و خدمتگزاران زبان و ادب فارسی و حمایت از نشر آثار ایشان و کمک به تأمین وسایل فعالیت علمی و فرهنگی آنان و فراهم کردن موجبات تقدیر از خدمات آن‌ها؛ بررسی و تصویب نتایج فعالیت‌های مراکز پژوهشی و فرهنگی که در آن‌ها تهذیب، اصلاح یا توسعه و تقویت زبان فارسی مفید شمرده می‌شود و ابلاغ و توصیه کاربرد آن‌ها به مؤسسات علمی و فرهنگی، و سازمان‌ها و نهادهای عمومی.

– مؤسسات علمی، آموزش و پرورش، و آموزش عالی

راه حفاظت از هویت ملی و صیانت زبانی، تبدیل زبان فارسی به زبان علم در محیط‌های آموزشی ایران است. راهبردهای این مهم عبارت‌اند از:

۱. کشف ویژگی‌های مشترک زبان فارسی به لحاظ ساختارهای صرفی، نحوی و واژگانی و سایر ویژگی‌های زبانی از طریق زبان‌شناسی مقابله‌ای؛

۲. تقویت بنیه فرهنگستان‌ها برای وضع اصطلاحات، لغات و واژه‌گزینی در تمامی زمینه‌های علمی؛

۳. بهره‌گیری از قابلیت‌های زبان فارسی و گویش‌های محلی در وضع لغات و برابرها؛

۴. توسعه فرهنگ استفاده از برابرهای فارسی در سطوح جامعه؛
۵. نظارت بر ترجمه متون از طریق ایجاد نهادی در فرهنگستان؛

۶. تأسیس مرکز یا انجمن علمی ترجمه متن برای سیاست‌گذاری، نظارت بر ترجمه و کنترل آن؛

۷. ایجاد ارتباط‌های مستمر و مفید بین رشته زبان و ادبیات فارسی با سایر رشته‌ها، همچون علوم انسانی، فنی، مهندسی، پزشکی، هنر و علوم پایه؛

۸. برگزاری کارگاه‌های تخصصی واژه‌سازی، واژه‌گزینی و درست‌نویسی برای متخصصان، استادان و مترجمان؛

۹. تألیف کتابی ساده در مورد شیوه‌های علمی واژه‌سازی، برای متخصصان سایر علوم؛

۱۰. مطالعات تاریخی برای اثبات توان زبان فارسی به عنوان زبان علم؛

۱۱. شناخت نیازها و مشکلات کاربران زبان فارسی و ارائه راه‌حل‌های علمی و علمی؛

۱۲. تبیین دقیق جایگاه چهار زبان ملی، بومی، دینی و بین‌المللی و لزوم و ضرورت هر یک و نحوه تعامل آن‌ها؛

۱۳. تعدیل دو دیدگاه سنتی و نو میان زبان‌شناسان و ادیبان در مورد کاربرد واژگان زبان فارسی؛

۱۴. گشودن قید و بندهای غیرضروری از دست و پای زبان فارسی؛

۱۵. شناخت آسیب‌ها و موانع کاربرد فارسی به عنوان زبان علم؛

۱۶. بهره‌گیری از تجربه‌های کشورهای دیگر؛

۱۷. تأسیس نهادی نظارتی برای کاربرد دقیق زبان فارسی در متون علمی؛

– رسانه‌های ملی و جمعی و مطبوعاتی و فضاهای مجازی

این رسانه‌ها، اعم از دولتی و غیردولتی، با ایجاد هویشیاری ملی و نگاه مثبت به زبان و ادبیات فارسی، می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند. برخی راهبردهای ایفای نقش این رسانه‌ها عبارت‌اند از:

۱. کاهش تنش میان زبان ملی و گویش‌های محلی؛

۲. ساخت برنامه‌های تبلیغی و سریال‌ها، برگزاری میزگردهایی برای تبیین جایگاه زبان و ادبیات فارسی و نقش آن در تقویت بنیان‌های هویتی؛

۳. ساخت و تولید برنامه‌های تلویزیونی با محوریت زبان و ادبیات فارسی، و معرفی آثار و مفاخر ادبی در برنامه‌های صداوسیما؛

۴. اجرایی کردن قوانین و مقررات مصوب در نهادهای قانونی مثل مجلس، فرهنگستان، شورای عالی انقلاب فرهنگی، از قبیل قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسم‌ها و عنوان‌های بیگانه؛

۵. افزایش انگیزه مردم برای قبول واژه‌سازی نهادهای مسئول؛

۶. تشویق هنرمندان، فیلم‌سازان، نویسندگان و نخبگان به استفاده از واژگان فارسی و فارسی‌نویسی از طریق تشکیل نشست‌های صمیمی و تخصصی؛

۷. تبیین و تبلیغ دقیق زبان و ادبیات فارسی به عنوان نقطه اتصال ایرانیان با تاریخ و میراث فرهنگی آنان؛

۸. گوشزد کردن خطرهای تهدیدکننده زبان فارسی به طور مداوم و از راه‌های گوناگون.